

در تحت نظر مراقبت خاصه

وزارت جابجاء اور برهه مسارف

مدير و نكړنده

شيخ محمد علي بهجت دز فولى

عنوان مراسلات

طهران، قابل شمس النهار

كتابخانه مسارف

فرخود ابن جريده و روى آدرس ان

از لاقب و عناوين مكاره مسندت



تاریخ ۴ ثابیه ۱۴ شهر محرم الحرام

۱۳۲۵ هجری

۲۷ فوریه ۱۹۰۷ میلادی

بن جریده هغه يك پوښیج و توزیع  
یشود

قدت اشتراك سالانه

طهران ۱۷ آذران

سائر ولايت داخله ۲۰ قران

ممالك خارجيه ۱۲ پونك

پكنسره ۵ شاهى

به كابه مدارس و ادارات علمى تخفيف

شده یشود

قدت اعلايات سفلى ۱۰ شاهى

در صورت نكرا باداه رجوع یشود

وجاه اشتراكه ما كرتد یشود

مىخواهم

در این جریده بحث یشود از مسارف و منافع و فوائد عامه و مطلق مطالب واجبه به مدارس و مكاتب و مقالات نافه بحال ممالك درج یشود

ضميمه مطالب راجعه بسنه

پس از آنکه ترتیب مجالس سنای غالب از تمام عالم از قدیم  
الایام الی یومنا هذا از نظر خوانندگان محترم گذشت  
مختصری نیز بر عرض میسر آمد و این نکته را مشهور بدیادم  
که مقصود ارتکبیل دو مجلس کاتبه مساده و موازنه کل  
قوی و حفظ تقسیم و مرتبه باند مساوات است که احکام  
ملکیتی بدون ملاحظه در حق غنی و فقیر بر ما و بر عالم و عامی  
بطور مساوات مجری باشد و همه بدون امتیاز در مقابل  
ان یکسان • مجلس میبایست یا کلای ملت - فذل  
حقوق ققراوضه را کند و مجلس سنا که مرکب از اعیان  
و اشراف و دارندگان مملکت است جانب اغتیا را رعایت  
نماید آن جلو صغیری از زیاده وی و دست اندازی  
ایشان کند در مقام تنظیم و تقسیم امور و رفد  
و آسایش آن باشد بشود که خداوند عطا فرماید و موجب  
حکمت باشد در مملکت بدن دو دست آفرید تا این بکک  
آن و آن به شایسته این رفح حوائج بدن نماید مملکت را نیز این  
دو مورد لازم نماید بکک کار فرماید و از یکدیگر  
کارگشایی کنند و همان لطایف و مناسبات که در ترکیب

عالم صغیر و بزرگ است در تکمیل عالم صغیر نیز بی کم  
و بیش منظور ( از عم انک جرم صغیر ) ( و فیک انلوی  
انام الاکبر ) چنانکه عضا بدن بند و تقویت بکدیگر  
محتاجند اجزای عالم نیز با تمسکات و استمداد از هم دیگر  
لا عاجزند و همچنانکه جدی و شفاق در میان ارکان بسبب  
شده از عدم انجام مراسم است فماین اجزای عالم نیز ناچار  
موجب خسران است پس مدیرین او را چه جور از چند هزار  
سال پیش از کار ما نظام عالم و مملکت را بسته بوجود  
این در قوه و از هم این دو مجلس دستبند و برای هر یک در  
مقام خود تکلیفی اقرار داشته اند ولی بشرط الت و وقت  
و محبت و وداد - اری با شفاق جهان میتوان گرفت  
مذاکرات این تدوین ان لازم دارد و گفتگوهای ان  
باید از طرف این موقع قبول یابد و در صورتیکه ایژه این مجلس  
بان مجلس رود و مثل قبول نباید با کل دبیر ملامت فرمود  
از اظاھر سازند در مقام تصحیح و اصلاح برآیند  
از درجده و مخصوصه داخل اشرف و بی برهت سخن برآیند  
بناهیات اسف به کرم چنانکه جای برآیند که بواسطه  
موانی چند و کلای مات ما از عهده خدمت مر - و عه که  
تخلل چنانکه بند و شایسته مقام باند است برآیند  
و غالب از ان محترمین آشا هستیم و چون دلسوزی بهمانند  
و بیگانه ام بهمانند و از خود را از من پوشیده نگارید و

حقیقت حال را آشکار می نمایند اسکرجه - کوس  
 رسوائی ما بر سر بازار زدند - و مغلوب مجهول یا سبانی  
 بر احدی باقی نمانده بکافی چنان دم از یاس میزنند  
 و رسیدن مقصود را منتقم بشمارند که شریان امید  
 طالبان این کعبه مقسود را یاره میکنند بعضی از وقت  
 نیز یاره اقدامات و حرکات مجلس مؤید گفتار آنها  
 میشود و عالم عالم بر نوپندی میزاید و موجب مزید درد  
 و الم و غصه و غم میگردد چمی برانند که - ذات نایافته  
 از هستی بخش - کی تواند که شرد هستی بخش - مجلس  
 دارالکورای يك مکتبی که نتواند در ظرف چهار ماه نظامنامه  
 داخلی خود را بموقع اجرا بگذارد در صورتیکه آن  
 نظامنامه بتصویب و جرح و تبدیل و اکثریت آراء خود  
 آه نهفته شده باشد آیا چگونه خواهد توانست امورات  
 معظم يك تنگت بزرگی را مثل ایران اداره کند ؟  
 ولسفاه و احزناه ؟ ؟ چگونه این مجلس جرح و تبدیل  
 در عمل مایه خواهد کرد ؟ چگونه نظام ما را مرتب و  
 حدود و ثغور مملکت ما را حفظ خواهد کرد ؟  
 چگونه مجلس وزارت عدلیه مرتبی برای ما خواهد نمود ؟  
 چگونه ایجاد بادیه نظامیه خواهد کرد ؟ چگونه  
 روابط بولنیهی ما را با دول متحابه حفظ خواهد نمود ؟  
 چگونه ما را ز قید اسارت و جنگال مساکن ما بیرون خواهد  
 آورد ؟ چگونه ارتشی منسوبه و حقوق مترسوخه چندین  
 ساله ما را باز پس خواهد گرفت ؟ چگونه در این روز فلاتک  
 برای ما تهیه رتدارک پول خواهد کرد ؟ چگونه از  
 این اوضاع هیچ و سرخ و نندیات حکام و جا برین ما را  
 خلاصی خواهد داد ؟ بالاخره چگونه رفع ظلم و استبداد  
 دو هزار ساله را از این مملکت خواهد کرد ؟ ای مجلس  
 مبرهان ایران ؟ ( ای طبیب نخوت و ناهوس ما )  
 ( ای توانا فلطون و جالیوس ما ) زود تر در مقام شفای  
 خود باش و مریضهای درونی خود را علاج کن و صدق  
 ( طبیب بداری انیس و دو تابلیل ) پیش طبیب تلبیل  
 شکن نیست درد دیگری را درمان کند و داروئی را که برای  
 خود الزم است بصرف غیر براندما که مانع اجرای نظامنامه  
 داخلی نیستیم خود شما مانع هستید و در اینجا تمام  
 وکلای محترم را مخاطب ساخته عرض میکنم قربان شما

میدانیم این نظامنامه برای همه مکرور در مجلس خوانده  
 شد و برای تصحیح و سنبه آن مذاکرات طولانی  
 بهین آمد و بعد بالاخره با اکثریت آراء بصورت حالیه  
 درآمد و بطبع رسید و بدست همه داده شد پس در صورتیکه  
 اکثریت آراء و احکام فضا یا بدیند چگونه میشود اکنون  
 زیر بار قرار می که خودتان در مبنای خودتان برای  
 خودتان گذارده اید نمیروید و باین حال چگونه انتظار  
 خواهید داشت سایر مردم زیر بار قرارداد هائی که  
 بجهت آنها مبد مبد بروند و اسفاه و احزناه ولی از  
 انجائیکه هیچوقت مایوس نبوده ام و یاس را در مذهب  
 و مشرب خود کفر مبد استهلام بلزهم مایوس نیستیم این  
 کات را هم فقط از راه دلسوزی و کثرت شوق در پیترقت  
 مرام ادا و اظهار کردم و از حیت و فتوت و کلاهی محترم  
 منتظم و درخواست مینمایم که باکل قوی در انجسام مقسود  
 مقدس که در نظر دارند بکوشند و از احدی نیندیشند  
 و در مقابل همت آنها اجرای این مطالب را خیلی سهل  
 و مختصر می بیندارم بخصوص حال که وکلای محترم غیور  
 دیوانخواه مان دوست آذربایجان بسلامت و اقبال وارد  
 شده اند و ورود آن ذوات مقدسه را برخود و مجلسیان  
 تبریک عرض میکنم و از دیاد عزت و اجلال و حمیت  
 و همت تمام مجلسیان را از درگاه حضرت احدین مهلت  
 مینمایم و برسم الله عیداً قال آمین و شبهه دارد تیره آینه  
 مرض میرسانم دانش علی -

مذاکرات املاک و تاجر در مجلس آقای مازنی پرور  
 قابل ملاحظه و کلای مجلس شورای ملی

تاجر - جناب آقا از دلنهی چه عرض کنم روز بروز  
 کار تجارت ما در انزل است آیا حاجت میدانید که از این کار  
 بیفکاید دست گشوده بامور زراعت و فلاحیت برداریم  
 املاک - ( شتابان ) آقا جان این چه خیال است میکنید  
 خیال فرقه نازشما بدتر است - سال بسال حاصل ما کمتر  
 و بیست تر است - املاک روز بروز خراب تر میشود گاهی  
 از حیثیت بی ابی و کاهی بواسطه بی اعتدالی و غارت نظام  
 میدانیم که و با برکت در روی زمین نمانده است

آقا - چه اذیت میخواهد اینک دولت علیه است نسبت بر عبت خبلی مهربانی دارد شما هم ولتر استول میکردید - حالا که مجلس دارالتورای ملی را دایر فرودید بیکر بیشتر زاین چه نسبت میخواهد در حقیقت تمام کار شما از بی علم شما سرشما که ملاک استبداداً سررشته علم زراعت و ملک و رعیت نگاه داری نداری -

در صورتیکه خانه خود را بخواهید تقسیم دهید چه گونه میشود از عهده اینقدر املاک و رعیت داری برآید؟ - یکی هم از عیب کار شما این است - که قرض کرد ملک زیاد نمیکرد ولی اگر املاک کمتر داشته و ملک کمی پول نقد در ملک داشته باشد که این یکی از اوزومات و شروط ملاکین است بهتر است - و شما هم ( روی کرد بتاجر )

حاجی حسین - که علم دفتر داری هیچ نداری و معنای اسم تجارت را بعد از چهل سال نفهمیده ای تماماً باید ضرر کلی بکنید - اگر تجارت استیاب ذلت و خسارت میباشد چه گونه میشود تاجر خارجه در مدت قبل در ایران از کتب و تجارت صاحب مایه بزرگی میشوند ملاک و تاجر از شنیدن این حرفی تصح در شکست مانده ملتفت عیب کار شده باشند دست و پای آن بی رحمت معارف برور را بوسیدند و تصدای تحزین از خدا طلب مغفرت میکردند و دعای خیر از برای دولت و خیر خواهان ملت میخواندند و منتقا گفتند - پس تربیب و اصلاح این کار بعهده وزارت جلیله علوم و معارف است

آقا - راست است منصرفاً در این زمان که مسلماً بدون عصا و رههای علم عموماً يك قدم هم نمیتوانید بچینید - ولی محل و سر مایه از برای تالیفات مدارس و نشر علوم و معارف باید تعیین کرد - در این بین جناب آقا يك نسخه روزنامه ایشان مرحمت فرمود تاجر - ملی این روزنامه معارف است برای بنده هم میفرستد

آقا - در شماره شش که طبع این نسخه میباشد چه مطلب دیدید؟

تاجر - تقریباً يك ماه است که این روزنامه از برای بنده آمد - بنده هم عندالوورد بتاگرد حجیره بدمم که بخواند و از مطالب آن بمن اخلاص بدهد - زیرا این گرفتاری وقت خواندن روزنامه را ندارم حسین تاگرد

حجیره تاکنون بمن چیزی نگفته است

آقا خواهش دارم که بعد از این در خواندن روزنامه کوتاهی نکنید زیرا روزنامه دلیل و ره نمایی تمام امورات شایست

ملاک - ( که در این بین مشغول معالجه روزنامه بود گفت جناب آقا این مطالب وطن پرست غیرتند که با مضای ( دانش علی ) خبلی و عهد بحال تمام سرمانست : علی الخصوص ان ( درمو )

تاجر مقصودتان مسئله تجارت؟ ملاک - بلی آقا جان - در موه تمبر - این کله زبان هندی است که به معنی وجه قبل است و در میان هندوستان متداول است که از هر مایه ده بین الاستین واقع میشود از برای امور خیره کنسار بیکاراند آقا - قدری بفکر فرو رفته بید گفت جناب حاجی خوب گفتید و هندیساید بر منجیبی کرده اند ملاک - این چه مطالب است مفرمانیست

آقا - جناب حاجی مسئله تمبر را که ذکر کرد فوراً يك چیزی بخارم آمد - معلوم است که در تمام ممالک اروپا رسم است اوراق و اسباب معایله که بین الاستین میباشد باید مهوری یا تمبری بان اوراق بچسباندند یا بنسند و الا این گونه اوراق در محکمه های عدالت پذیرفته نمیشود

تاجر - ( فوراً ) گفت این ضرر کلی از برای استان ما وارد مبارود

ملاک - برادر عزیزم - بگذار جناب آقا حرفش را تمام بفرماید - باعث ضرر خبلی مردمان از اصناف شما نیست که لسنجیده اقدام باوروات تجارانی میباشد حالا با اجازه جناب آقا بشما میگویم اولاً اسناد شما بواسطه تمبر متعیر بر مراب تر میباشد

ثانیاً قیمت این تمبر خبلی جزئی ( فرضاً ) از قرار هزار يك میباشد یعنی درقه هزار تومانی قیمت تمبر ان يك تومان است

آقا - راست است این فقره چند شیجه خوب دارد فرضاً ان تمبر تحویل مخصوص باشد ولی تحویل صندوق خیره است و عایدات آن معارف مدارس و غیره میرسد - باید حکم صادر شود که تمام اوراق از صد تومان پبالا باید یاد دفتر محکمه شرعی ان شهر که از جانب مجلس دارالتورای ملی معلوم شده باشد ان صورت را بیت

دارالتورای ملی معلوم شده باشد ان صورت را بیت

کنند و عمره برداشته و بهر رسمی این محکمه بدین تصدیق  
بالای غیر رسیده میشود چنانکه معمول در تمام  
محاکمات مقدمه است

تاجر - اگر این طور باشد هم تمام کارهای ما  
محکم و منظم خواهد شد و هم وضع مدارس ما روشی  
پیدا خواهد کرد و من حقیقت من بعد بیکال آبودکی  
و فراغت بال باید هر روز پنج شش روز نامه معتقد  
مطالعه بکند

فرضاً اگر کار غیر سرگرفت تکلیف چیست  
تاجر - بلی جناب آقا - این طورها مانند  
فایده این چیزها نشوم بیشتر فی در امور خیره بوده  
از بی علمی طول نخواهد کشید که تمام ثروت اسناد ما بخارج  
قل خواهد شد

آقا - راه دیگر هم خیلی هست من جمله بقتل  
ناقص من این است که کروور کروز مردمان در این  
ملکت هفت از ده شاهی الی بجز آن خود بصرف میرسانند  
و اگر میخواهند آن مبلغ را در راه خدا و تربیت نوع  
بتوجهند ابداً ضرری با حدی وارد نخواهد شد

تاجر - این ها خیلی خوب است ولی شاید  
اقدام نکند

آقا - کی اقدام نمیکند - اولاً باید دانست که ترقی  
شما منحصر و مربوط است تربیت اولاد مؤمنان شما  
عموماً - چنانچه سنی از یک دیوار برداشته شده باشد  
تدریجاً باعث خرابی آن دیوار خواهد شد و بالعکس  
لهذا تربیت یا نادانی بفرزان جهال حکما بحال شما را میبخشد بنا  
بر این مسئله عمومی به این بول است - در این صورت  
آهائیکه در این امور خیره که برای حفظ ناموس  
و جان و مال است اقدام نمیکند : باید لیاقت و  
شرف اسم الهان داشته باشند

نایب دیگری چه کار دارید ؟ شما که از حال بی علمی  
خود مانند شدید در این امور خیر باید اقدام کنید  
ملاک - راست است : باید هر کس تکلیف خود را  
بجا بیاورد و حتی المقدور دیگران را تشویق نماید  
همینقدر در هر شهری چند نفر اقدام باین امور بکنند  
مذول بکنند که همه آنها بقرآن خود حال خودشان اقدام  
خواهند کرد : ولی ترتیب این کار چیست ؟

مجلس با معارف یک نهاد نامه از این قرار میشود  
( شده بطوراً و درغاً مقصد هشتم مالی : مبالغ دوازده تومان  
موجب قیوط و قیوضات وزارت خطبه علوم و معارف از  
برای مخارج مدارس و غیره بستگی معیار و شما جناب حاجی  
حسین که تاجر متوسط هستید مالی فریضاً هشتاد تومان باین  
عنوان نهاد نامه بشوید - این بیست تومان شما  
تکلیف است چندین بکتاب از برای بیخ شش فقره حاجی  
عانا داده شده باشد برفع حاجت آنها شده است -  
بمردمان دیگر چکار دارید ؟

تاجر - جناب آقای ادبی است به چشمه شاید این بول  
باصرف تربیت نیستند تکلیف چیست  
آقا - اولاً - شما که بول میدهد قیض عمره دار  
در یافت خواهید کرد ایماً - در اخیر هر سال کتاب  
راپورت وزارت علوم و معارف و بوجه آن مبلغ رسیده  
پیش تمام مردمان منتشر خواهد شد

ثالثاً - هرگاه خیلی یا خبیثاتی دیده باشید حق دارید  
بمدیر معارف انشمار بیکال از دی اظهار کنید و سوال بکنید  
رایماً - وزیر علوم و معارف حاله ایران یکی از این  
وزرا دینتیبان عصر است خصوصاً درستکار و وطن پرست  
و معارف پرورند که تمام اوقات شریفش باصرف خدمات نوع  
فرموده اند و آنرا حجت نیستند و نبودند (غامماً) - مجلس  
شوری ملی که از برای آبودکی و ترقی شما میباشد میباید  
همه گونه همراهی خواهند فرمود - خصوصاً از برپا  
توجه اعلی حضرت قدر قدرت شهریاری ارواحنا له القدامه  
و جید بنم المومنین مبارک ایشان موجب شوق و تکامل  
ترقیات عصر مظهری میباشد : لهذا خواهش دارم که  
تکلیف شما بول دادن است سایر تربیات بدهنده دیگران  
است که بکنند دینار واحد از بول شما بدرود  
و مسلماً و کلاهی غیر نمند باندیس مجلس ملی مالزوم اصلاح  
معارف و راه پیدا کردن بمصارف انرا از بنده  
بهرتمند است

ملاک و تاجر - بیکال ختنودی و امید واری از آن  
مربطی خواستند و قول دادند که من بعد در خدمت بوطن  
و تربیت نوع حتی المقدور سعی و کوشش میبایند

خادم دولت و ملت اسلام

( مقابله مفیده )

• زوال نتیجه ششماهه مجلس دارالشوری ملی بام شاه چیست •

جواب ای برادران وطن دلتك نباشید از اینكه امساله كارها باز بطریق ظلم و استبداد سابق ككشت و مركز خیال نكند که شاید سال آینده نیز بهمین منوال بگذرد و این زودی در حق اعیان دولت و امنای شریعت بدكان آشوبد و شرف ایشان را در همین شرف خودشان است از دست بدهید و از اعمال گذشته چكاپت نكند و ای ( عنی الله عما سابق ) را متذكر شوید و مناصب را بگوید سابقا همه بد بودیم و بكنون بواسطه نعمت وفاق و اتفاق درجه خوبی گرفته ایم و گمانی كه موجود اتفاق ما بین دولت و ملت است بر زبان بنویسید و از عجله كه دارید بفرمایید كه چرا كاری نكردند و تریبی ندادند كه منشا از چنگ مستبدین ظالم رها شوند و از این طفل مددك و دارالشوری ملت كه پیش از ششماه از سن شریعت نكشته است درجه اعلی و اكمل عدل و مساوات و تسویه حقوق و مالمات را كه امری تدریجی است باین خبیق وقت بگردد از او نخواهد و عجاله دو مطلب مهم ذیل را كه بواسطه شالوده سنان

تایك چند وقت دیگر	سنة آیه مالمات را
كتابه رعایای ایران را	بواسطه تبدیل از دزد
از ظلم مستبدین خلاص	و غارت بكار انش
تساید	محفوظ دارد

وساده انجام مینماید از او بپذیرید و الله و الله این مثل ششماهه را بكنهات شافه و زحمات فوق العاده باز ندارید و حواش را بتوقعات متكه مختل ننازید و با وجود شاهنشاه معارف پژوه و مجلس دارالشوری مددك شكوه رفع تمام بی نظمهها را بحال شمارید و انكار خود را در احاطه همه عیوب و مسالجه ان قاصر نه بیند و تمام سیئات حكام و مستوفیان و پیش كاران و كدخدایان و نامورین و سایر كارگزاران را كه حاوی انواع سرفت و غارت از مال و ناموس دولت و ملت بوده است و برانرا باین روز نشانیده است منحصر و مندرج در تحت این چهار كفه ذیل مشاهده كنید

( تفاوت عمل ) ( دخل هوای ) ( حقوق سرورقه )

تفاوت عمل را آنكه بواسطه آبادی دهات و مستقالات كه اسم آنها در منابع آنها در دستور العمل بخرج نیامده بود و حالا كه اشاقاقی علاوه بر اصل مالمات است در تمام بلاد معمول نموده اند و مقصداری از آن بعنوان پیش كشی بدولت میرسد و همه ساله وفاق دستور العمل ولایتی انرا تغییر نازد میباشد صورت تفاوت عمل از حكام منزول و مستوفیان محلی بخواهند و در كتابچه دولتی جزو اصل مالماتین نمایند و از پیشكشی حكام كه جزوی از تفاوت عمل است صرف نظر نمایند اهم بخیزو تبدیل است

( دخل هوای ) عبارت از وجوهاتی است كه حكام و كار كنان ایشان به اسامی پیش كشی و مخارج مامور وجه يك حكومت و جرم مقصر و قیمت سپهر سات و هزار اسم دیگر از رعایا بقوه جبریه میگیرند و سالی هزاران رعیت را بمالك خارجه فرار میدهند در صورتی كه بكد پستار آن بدولت میگرد و شاید فك آن هم باید حكومت نشود میباشد دخل هوایی ككبه موقوف بر رعیت از این سید است آسوده شود و امورات بموجب احكام دیوان عدالت ربوق و تقی و انجام بگوید

( حقوق سرورقه ) عبارت از مواجیب و مستغری و بهاها و مقرری و مخفف و استصوابی و جیره و انعام و خانواری اندخاصی است كه قدم بر سه عدم ككذشته اند و خانین دولت اسامی خرد را بصور مختلفه در آورده و این حقوق بی صاحب را متكرراً و ناشناخت تصاحب نموده اند یا آنكه سه ساله حقوقی مبین در كتابچه دولتی با اسامی اشخاص مدومیت و فرستاده میشود و در آخر هر سال حاكم و مستوفی بالشرایك آنها میخورند و باید بشرح ذیل بالمره از این سرفت جلو گیری شود

( خرج ترائی ) عبارت از بیانی و قنایی و قیمت آتنبازی و مصارف جشن دولتی و مخارج مقصر بگیری و امثال اینها است كه رسته های ان بشماره نمایند و اكثر اتفاق می افتد كه حاكمی اگر بجهت تومان خرج ترائی ارك حكومتی نماید علاوه بر دو هزار تومان قلمداد نكند و بهمین وسائط بموقع محاسبه دولت را مدیون خود سازد

پس ای غیرت مندان وطن عجاله بترتیب ذیل جلو گیری از این چهار عمت كنید تا رفع همه ندهات بشود و رعیت از قید ظلم و اسارت خلاص گردد و مالمات خود را بیزاری علاوه ندهند و تمام مالمات بانضمام تفاوت عمل از آفت خراج

تراشی و حقوق گیران موهومی محفوظ مانده و در مقابل سابق شده باید خزانه دولت شود و خاتین نکونند که نمایی نازه و بدعتی جدید احداث کردند و مقصدیان امور ایالات حدود خود را دانسته نوظلی ازان نکند

و جلب این فوائد و دفع این مضار موقوف بر این است که حکومت و نظام هر عملی را حتی دهات و اکتدار چهار اداره ذیل نمایند و حدود ایشان را شرح ذیل مین کتند

۱) اداره انجمن عملی ۲) اداره لشکری

۳) اداره وزارت مالیه ۴) اداره بانک ملی

( از اداره لشکری ) مقصود بکنفر صاحب منصب نظامی است که با هم ناظم باعده بقدر لزوم از سوار و سرباز عمل حکومت برود و تحولات ظاهره او منحصراً بجمعیت قشونی آراسته مرتقی باشد در اداره او حرکت میکنند ماموریت اوسته معلوم باشد

( ۱ ) امن کردن طرق و شوارع

( ۲ ) اجراء اوسر دولتی که از طهران بتصویب مجلس فرستاده میشود

۳) آراء انجمن عملی را با شدیدی از انجمن بموقع اجرا گذارد

۴) از اداره وزارت مالیه بکنفر مستوفی با کتبا بجه محتوی بر اصل مالیات و تفاوت عمل وقت مرسومات عمل حکومت برود ماموریت او

( ۱ ) بروات مالیه را مطابق کتبی نوشته بانک ملی بدهند و بجهت خرج خود فهرست با بمر از او بگیرد

( ۲ ) قبوض ارباب حقوق را امضا نموده بدهد و برای سند خرج وزارت مالیه ورقه ترفه بمر انجمن بکشد باین مذون که حامل ورقه فلان سن و شکل

و علامت فلان این فلان است

( ۳ ) هرگاه انجمن محلی مالیات یا مرسوم کسی را اضافه یا کسر کند ثبت آراء بمر انجمن عملی رسانیده تسلیم اداره مرکزی وزارت مالیه نماید

۴) از اداره بانک ملی مقصود تنبیه از آن است که البته در هر عمل حکومتی مفتوح خواهد بود مامور مکلف است

اولاً آنکه مالیه را مطابق بروات بگیرد و اگر دیساری علاوه گرفتاری باشد خود را مسئول بداند

( ۲ ) مستوفی اجیدی را بدون امضای نماینده وزارت

مالیه بدهند و کتبا بجه دولتی را فقط سند خود نداند ( ۳ ) مخارج فوق العاده که آنجا لازم میشود از قبیل بشانی و اضافت مخارج قشونی و مساعدت رعیت و امثال اینها میباید از انجمن عملی دو سند خرج بکشد و نخواهد بود یکی تصدیق انجمن بر اینکه خرج مذکور با کثرت آراء لازم بوده است دیگری تصدیق انجمن بر اینکه چه مبلغ خرج شده است

اداره انجمن محلی تکالیف او چون در نظامنامه مبین شده محتاج بتوضیح نیست

پس این هواخواهانان ملت و تربیت شدگان ملت که بر یوز عقل و کسب است آرا داشته اند نظری حکما بانه

در این ترتیب ننمائید که تمام سیئات مستفیدین را که اسباب فارت دولت و ملت بوده است در این چهار کله

منحصراً یافتند و جلوگیری از تمام آنها را کاملاً در این شالوده

و قانون سهل و ساده ملاحظه فرمودید اگر آن را دارای قضی دیدید یا مضمی بجهت ان بنظر اوزدید بجلس

دارالشوری اطلاع و اعلان بدهید و عجاله از دولت اجراء آراء برای مال آینده که یکماه پیش نمائنده است بخواهید پس ازان

که مردم اطراف لذتی بردند و رفاهیتی دیدند و بهتر هوشیار گردیدند و کتبا بجهت های قانون بریان فارسی ترجمه شده

و تطبیق آنها بقدر لزوم با ظاهر شریعت مرعی افتاده و بموقع اجرا آمدند اندک اندک همین ترتیب که تقریباً قانون باصی

است بصورت قانونی که اجرا میشود متشکل خواهد شد و بواسطه چند دسته مهندس و مینر که از اطراف طهران مشغول بنقشه

کشی و مینری دهات میشوند اعلی درجه عدل و مساوات در مالیات و مرسومات مردم بعمل خواهد آمد

معارف بکته

مقاله فوق از آرسنامه دانشمند بکانه و فاضل فرزانه آقای شیخ اسمعیل شیخ المشایخ ذرفولی است و الحق در تخریح عبوب و توضیح علاج آن تحقیقی است و فرموده اند و ما بواسطه اهمیت موقع بجای میکنیم افکار عمیق و خیالات دقیقه اینا وطن را باین موضوع مسئله را مطرح انتظار دانشمندان میبایم تا کله حرقه کشف واقع و ملوع صلیح حقیقت بشود قسیرین مینرند ( عند تمام الامکار المانع انوار الحقیقه وقتی که افکار بهم گریخته شد نور حقیقت جلوه گر میشود

تم

مدرسه معصومیه

از قراری که آقای حاصل نموده ام جناب مستطاب صدرالمتکلمین آقای حاجی آقا جعفر و جناب مستطاب صدرالمحققین آقای آقاعلی صدیق الواعظین به همراهی و مساعدت جناب آقای متولی باشی استانه مقدسه قم پر حرم نزن و لاجازت مخصوص از طرف وزارت جاهله علوم و معارف مدرسه در قم تاسیس نموده اند به اسم معصومیه و ضعیف این مدرسه مایه باندارس ملبه طهران مطابق است تربیت تحصیلات اطفال از روی نظام نامه است که انجمن معارف به تصویب وزارت علوم برای مدارس ملبه نوشته است معلم امتحان شده صحیح هم از طهران برده اند با وجود آنکه بکاه پیش نیست که دست بکار شده اند قریب شصت هفتاد نفر شاگرد دارد و از آنار معلوم است رو بترقی است شرح تحصیلات آنها را قیما بد خواهم نکات

این نکته را هم معلوم است این و محترمین و متمولین که همه ساله قسمتی از مال خود را بعنوان خیرات و میراث در استانه مقدسه قم صرف میکنند بخاطر مبارک نمودن خواهند داشت که کمک در تعلیم و تعلم که از انرا نفع الهیه است بهترین و واقعی است برای صرف مال و مال الله این نکته را بخاطر داشته و همه هم کمک و هر انمی از این مدرسه مقدسه خواهند نمود تا هم کتب منوبات اخرویه تمام کنند و هم نام بزرگ ایشان در صفحه روزگار باقی بماند و هر زایر روضه مقدسه بجزار اگر با آنها احسان نماید دنیا و آخرت جمعی نمیر خواهد بود و بهترین و سببه است نهایی اطفال از کویچه بازار کوتاه گردیده دسته گداها نشوند و اسباب رحمت مردم نشوند

مذاکرات بی شعور باشیخ قطب الدین

بنیة مجلس سوم

سر دفترال میرود دکان نمایی می بیند که مشتری ها هشت صفت بسته اند و بقال در پشت مغزوف مثل زعفران جفی باید اقتدر و بر نماید تا نصف اول رد نمود نصف دوم در جای جناب اول قرار بکند به همین هیچ تا ثبوت برسد بر دفترال در صورتیکه هفت صفت

جدید الورود در پشت ابستاده اند . بکچشم مرد بقال در دست قصاب چشم دیگرش بسته ها گوشت نگران گاهی بترازو و گاهی بد به ها نگاه میکند - با اصطلاح خودشان . دآش دست شما در نکند . چون من قدری دمی بگذران روش و الله استخوانش زیاد شدید حالت و الزاریات نه بر گوشت بر قدری چکر سفید و نصف استخوان خریده در عوض ده سیر بولی داده سه ساعت معطل شد تعلق و چای پوسی گوشت خرید و از برس و ناعلاجی صدایش در نیامده همین مرد بقال بعد از مدتی صفت تعلق که یکی از صفات ذمی به و خدش جاعت و سر دانگی و قنوت و مناعت بود طبیعت ثانوی و عادت مرد بقال در حال این مرد بقال مرده بقال شد ای بی شعور تور اینچنان طور نیست . بلی همین است که فرمودی اگر مرد که بقال سدید باز سبزی بخورد همان تعلق کوئی را خواهد نمود بجهت آنکه طبیعت پست شده از تکبر و مناعت مردی زایل شده

( داستان ) می نفر در دکان نانوائی جمع شده ( مرد قصاب وارد شد ) ( سلام علیکم ) انا شاطر دست شما درد نکند یک جو بوقی از تونون توجه جانی کرده در دست با قنا شاطر خندیم نمود دست بسته ایستاد هر کس که کلاهش کند است اول تن میکرد هر کس سبب است بعد از آن تن میکرد می این تعلق میکند و شاطر نان دواتش میبزد مختصر در آخر بدنازه ساعت معطلی نان خمیرزا معلوم نیست که از چه چیز پخته اند از دست هم بگر قاییده بکن از قراری و پنج سیر گرفته اول بوسپیده و در زیر بقلن قایم کرده بگوید خداوند اهدا هزار مرتبه شکر . گناه در مالک علی حده مردم عوض نان خاک میخورند - کسی که نان گوشت را بسنگ در دست در دار خرد لا بداً در سایر چیزها هم حرف نخواهد گفت و کم فروشی ببولی میکند خواهند در صورتیکه معش و بازخواست در بهانه نیاند

قصه یک نفری را سبذ و قرانش مکرر گفتن زده بودند چشمش رسیده بود یکروز دیدش که از دست کردی کتک را میخورد و فحش راه پشند و میگفت که من تو کر شما هستم چونکه چشمش ترسیده بود و شجاعتش بهی جراتی و جبین مبدل شده بود

حکایات ککر بلانی محمود علاقه سدرالشیبها بموض مشهدی احمد تماع بردند بدار انجکوه به بعد از رفع اشتباه دیدند که این شخص انشخص معروض نیست

# اعلان

این جانب میر محمود آقا میراف که چند وقت بود در بانک  
استقراضی ایران خدمت میگردم این روزها چهل شخصی خود  
استغنا داد و خارج شدم چون این روزها عزت بعضی از اجزای  
بانک در شهر انتشار یافته لهذا محض آنکه استغنائی انجانب اسباب  
خفتگی کسی نشود این چند کلمه را اعلان و اعلام نمودم

## اعلان

کتابخانه معینه که از مؤسسان جناب مستطاب عوارف و معارف  
اداب آقای آقا میر عبد الوهاب معین العلماء استغنائی  
است مشتمل است بر انواع واقفیه کتب فقهیه علمی و صنعتی  
و تاریخی و کتب نفه و اصول و انواع کتب جدیده کلاسیکی  
باب مدارس جدیده و انواع کتب فرانسه و عربی مطبوعه  
مصر و بیروت و اسلامبول و انواع روزنامه جات را از انجانب میتوان  
ایوانه شد از قبیل جریده مجلس و حریده معارف و غیره و غیره  
ادرس کتب خانه فرق ظهر آن خبایان تا صریحه مقابل  
مطبعه خورشید

## اعلان

یوم دو شنبه ۲۷ ذی حجه در مجلس شورای ملی شخصی دفتر  
بنی خود را که بیست یک تومان اسکناس و بعضی استاد در او بوده  
کم کرده است هر کس در اینرا کز ذیل برساند ده تومان  
مزد کافی باو تقدیم خواهد شد

- ✦ کتاب خانه معارف جلوه خان شمس الماربه ✦
- ✦ خبایان لاله زار دارالصناعه و مطبعه ✦
- ✦ مطبعه خورشید ✦
- ✦ کتب خانه معینه ✦

## اعلان

بروز نکاح یارسی که بهترین کتاب در تشریح ان فارسی  
ساده است در اسلامبول بگفته با طبع رسیده بود چون این  
اوقات نه خان نایاب شده بود بر حسب خواهش جمعی آنرا بخط  
تستایق به بازار خوش و تصحیح جناب مؤید شیخ عبدالعلی میر  
کلی با طبع رسانید و محل فروش آن کتابخانه معارف جاو خان  
شمس الماربه است

✦ شیخ محمدتلی بهجت دزفولی مطبعه شرقی ایلام رسیده ✦

تینا چهره هزار ذوق داده بود و سبلی اظهار شجاعت  
میشود بجهت اینکه ماهورین خواسته بودند عجز از ازش بگیرند  
یک قدرتش را نداد بود  
آورده اند که استاد علی آتک را میبندند بجا که شریک  
رقایش یاد دهند که اکثر حرف راست برفی کارت  
خرابست و او هم همین طور کرده بود مدار گذشتن عمل  
همیشه بر دم و سبب میکرد و بگفت که البته حرف راست  
ترنید که بخرج بیرون برونک فایده را در دروغ گفتن فهمیده بود  
روایت میکنند که کافر احمد نام دزدی بود در ابتدا  
از یکی طب دشت و بختوانت بگیرد چونکه شخص  
ماریون متول بود و در مسایل شرعیه بد طول داشت  
و از شره دادن مضایقه بدشت احمد نام بی چیز شد  
مجبوراً بتوان قمار از مال مشارالیه بدزدی میکرد و  
در آخر بکفر دزد مسئله دانی شده بود متبر  
معروف باحمد دزد حالا ای بی شعور ملتفت ندی که  
هر چه و سرچ در اخلاق مردم بچه اسم آن میکنند و تغییر  
بدهند . و یک حکایت عجایبه برای شما صحبت بدارم که  
آن نمائند که جزئیات بگونه آرهای کلی می بخشد ( حکایت )  
صفر نام پسر کرمانی مردم کلاهدوز در زمان خاقان از ادبی پدر  
روزی تریق مادر حرفهای زشت بولید و در سربوط را یاد  
گرفته بود و بحال در خدمت ملا نصرالله اخوند که روبروی  
قر اول خانه جنب سماخانه نوروز خان در زاویه تاریکی معلم  
خانه داشت مشغول تحصیل شد و از خواندن نوشته چیزی  
یاد نگرفته مگر الفظ جنک از بیجا مکتبی ها و از کتب مرخص  
نشده در هر که اوطی غلامی حقه باز در صف اول جای  
داشت بعد از ختم هر که در جاو خان مسجد شام دو نفر  
درویش برده میدان کر بلار از دیوار مسجد او تران میشویدند  
صفر نام در اینجا حاضر بود اما خیلی مهمل داشت آن صورت  
بزرگ را که درویش رند بزودی نشان میدهد او به بند  
و روزانه بکعبه باسی نذر درویش حقه باز را میداد و در عوض  
بکعبه باسی حرفهای آن او را درویش و آن حقه بزر را  
بخوبی یاد گرفته بود و از راهها هم ضالع دیدن را بختبر  
آموخته بود و کمر بند خود را عوض ماردرد دست می گرفت  
حرفهای مادر کبر را میخواند چنانچه دید باید  
بدهد دارد